

# تصمیمات محاکم

## تصمیمات دیوان تمیز خارجه (۱)

راجع بر رسیدگی بدعوی مدعی خصوصی در صورت تبرئه متهم

مدعی خصوصی خود داری از رسیدگی نموده - و عمده اعتراض مستدعی تمیز آنست که طبق مواد مزبور چون اموال مورد مطالبه در تصرف متهم بوده محکمه مکلف بر رسیدگی بوده است .

نظر بانکه ماده ۳۶۶ بطور کلی بمحکمه اجازه داده که در صورت تبرئه متهم نسبت بضرر و زیان مدعی خصوصی رأی مقتضی صادر کند و از طرف دیگر طبق ماده (۳) قانون مزبور محاکم جزائی وقتی صلاحیت رسیدگی بدعوی حقوقی ضمن دعوی جزائی دارند که دعوی حقوقی ناشی از عملی باشد که محکمه آنرا جرم شناخته باشد و در این مورد که محکمه عمل متهم را جرم شناخته نهایت ار را معاف از مجازات دانسته میتواند نسبت باسترداد اموال رأی مقتضی صادر کند - بنا بر این مزبوره حکم محکمه برخلاف قانون بوده و نقض میشود .

محاکم جزائی اصولاً وقتی بدعوی ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی میکنند که عمل ارتكابی را قبلاً جرم شناخته باشند - بنا بر این هر گاه متهم بسرقت تبرئه شده باشد محاکم جزائی نسبت بتقاضای مدعی خصوصی راجع باسترداد اموال در صورتی میتوانند رسیدگی کنند که عمل انتسابی را جرم شناخته نهایت بجهاتی متهم را از مجازات معاف کرده باشند .

دیوان عالی تمیز فرانسه در حکم مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۲۰ نسبت بانتهام يك نفر بسرقت که منجر به تبرئه او شده راجع بدعوی مدعی خصوصی دایر باسترداد اموال چنین رأی داده است :

« در موضوع اعتراض مستدعی تمیز بر حکم مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۹ مبنی بر عدم رسیدگی محکمه نسبت بمطالبه اموال که باستناد ماده ۳ و ۳۶۶ اصول محاکمات جزائی از طرف مدعی خصوصی بمل آمده و محکمه بعنوان عدم تحقق جرم و اینکه موردی برای وجود سوء نیت در بین نبوده متهم را تبرئه کرده و نسبت بتقاضای

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### راجع به وکالت نامه در دعوی اعتراض بر حکم غیابی

و در آن صورت حق قانون تأمین شده است.

دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۶۹۶۱۰۰ مورخ ۱۵/۱۶/۱۳۰۵ در موضوع استدعای تموز از قرار رد عرضحال اعتراض بر حکم غیابی که محکمه استیناف باستناد ماده ۲۷۵ آزمایش بعنوان آنکه وکالتنامه و کیل ضمیمه عرضحال نبوده صادر کرده چنین رأی داده است با آنکه وکیل در مرحله استینافی که حکم غیابی باو ابلاغ شده وکالت در اعتراض داشته و وکالت نامه در پرونده حکم غیابی مضبوط بوده وکالت وکیل در اعتراض در حقیقت ضمیمه بوده و موردی برای رد عرضحال باستناد ماده مزبور که منصرف بموردی است که وکالت وکیل در مرحله اعتراض اساساً غیر محرز و غیر مدلل باشد بنا بر این قرار مزبور نقض می شود.

ماده ۲۵۷ قانون آزمایش عرضحال اعتراض بر حکم غیابی را در صورتیکه وکیل وکالتنامه خود را به عرضحال ضمیمه نکرده باشد محکوم برد میداند.

مطابق ظاهر این ماده اگر وکیل در اعتراض بر حکم غیابی وکالتنامه خود را ضمیمه عرضحال نکرده باشد عرض مال مزبور رد میشود لیکن معلوم نیست در صورتیکه وکالت نامه وکیل ضمیمه پرونده حکم غیابی بوده و صحت وکالت محرز باشد مورد منطبق با این ماده بشود و منظور قانونگذار رد عرضحال در اینصورت نیز باشد - زیرا احراز سمت مدعی حق قانون است و اگر حق ایراد به مدعی علیه نیز در این مورد داده شده دلیل بر اعتراض از این حق و تخصیص باصحاب دعوی نیست بلکه برای مزید حفظ این حق و استفاده قانون از حق مزبور است که شرکت در احراز سمت وکیل باصحاب دعوی نیز داده

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### نسبت به جهیزیه زن که تحویل زوج میشود

نیست این اشیاء در خانه باقی بمانند و پس از ده سال حالیه چیزی باقی نیست که من از عهده برآیم در صورتی که اشیاء مزبور در تصرف زوجه بوده و زوج دخالتی در آنها نداشته ( وارد نیست زیرا طبق سند مسلم الصدور اشیاء مزبور تحویل و تسلیم مستأنف شده و دلیلی بر استرداد اشیاء به مدعیه و اینکه سند مزبور از اعتبار قانونی افتاده اقامه نشده حکم بدوی را تأیید کرده است. دیوان عالی تمیز حکم مزبور را ضمن حکم

زنی بمسئله صورت جهیزیه مقوم به شانزده هزار و پانصد و ده ریال و یک جلد قرآن مقوم بیکهزار ریال به محکمه بدایت بر علیه شوهر اقامه دعوی کرده - محکمه بدایت حکم محکومیت مدعی علیه را بتسلیم اقالم جهیزیه در حق مدعیه صادر کرده - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده محکمه استیناف بعنوان آنکه چون اصالت مستند دعوی در مرحله بدوی محرز شده اعتراض مستأنف (باینکه امضای ذیل صورت جهیزیه دین آور نیست زیرا ممکن

زوجه و تحت نظر و استیلاي خود اوحفظ ومورد استعمال مي شود تصديق زوج فقط در زمينه اقرار بمالكيت زوجه نسبت باشياء مزبور بوده وسندي است كه براي ثبوت مالكيت زوجه و عدم استحقاق زوج در اشياء مزبور حاصل مي گردد بنا بر اين حكم بزمان و مسئوليت زوج بمجرد چنين تصديقي مستند قانوني نداشته و طبق ماده ۳۴۰ قانون آرايش باتفاق آراء نقض مي شود .

شماره ۱۲۹۷۳ ار ۱۰ مورخ ۱۵ ار ۳۱۶ باین استدلال نقض کرده است که مبنای نظر محکمه استیناف این است که تصدیق و امضای مدعی علیه پرورقه صورت جهیزیه به دلیل قبض و تصرف مشارالیه نسبت بانائیه مندرجه در ورفه مزبوره می باشد و این تشخیص محکمه بر حسب متعارف و مدلول تصدیق مزبور صحیح بنظر نمیرسد زیرا با ثبوت این مقدمه که جهیزیه در محل اقامت و سکناي

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### نسبت بصلاحيت محکمه استیناف در مورد ماده ۱۷۵ مکرر

حكم شماره ۶۳۳۳۳ مورخ ۱۶ ار ۱۴ قرار مزبور را باین استدلال نقض کرده است .  
چون بر حسب مفهوم ماده ۳۴۷ و مناطی که از ماده ۳۴۷ اصول مجاکمات جزائی بدست می آید و بموجب اصول کلی تشدید مجازات در مرحله استینافی وقتی جایز است که از طرف مدعی العموم نسبت بحکم محکمه جنحه استیناف خواسته شده باشد و ماده ۳۵۸ اصول مزبور نیز که در مورد کشف جنائی بودن جرم در محکمه استیناف ارجاع امر را بمنسئطق لازم دانسته محمول بمواردی است که مدعی العموم تقاضای رسیدگی استینافی کرده باشد و نظر باینکه تشخیص جنائی بودن اتهام در این مورد که فقط از طرف متهمین استیناف داده شده و حکم محکمه جنحه نسبت بمدعی العموم قطعی شده بالنتیجه مستلزم تعیین مجازات شدید تر در باره متهمین خواهد بود .

بنابر این قرار مورد استدعای تمیز مبنی بر عدم صلاحیت محکمه استیناف و صالح بودن محکمه جنائی برخلاف مستنبط از مواد مزبوره و مخالف اصول کلی محسوب و باتفاق آراء نقض و خود محکمه استیناف صالح برای رسیدگی تشخیص می شود .

ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات میگوید - هر گاه در قتل یا ضرب یا جرح عمدی که در غیر منازعه واقع شده دو یا چند نفر دخالت نمایند بدون آنکه معلوم شود مرتکب اصلی کدام یکی است هر يك از مداخله کنندگان در صورت وقوع قتل به ۳ الی ۱۰ سال حبس با اعمال شاقه و در صورت وقوع جرح یا ضرب بر حسب مورد بمجازات های مقرر در ماده ۱۷۲ و یا ۱۷۳ محکوم می گردد .

از مراجعه بماده ۱۷۵ اصلی معلوم می شود که نظر قانون گذار تشدید مجازات قتل یا ضرب یا جرح عمدی در غیر منازعه است که در ماده مکرر جرم را از درجه جنحه بدرجه جنایت برده است .

محکمه جنحه در مورد اتهام چند نفر بایراد ضرب و جرح که منتهی به ثبوت شده باستناد ماده ۱۷۵ اصلی متهمین را از شش ماه تا سه سال محکوم کرده . محکمه استیناف بر اثر شکایت استینافی محکومین رسیدگی کرده و مورد را منطبق با ماده ۱۷۵ مکرر دانسته یعنی جرم را جنائی تشخیص داده و پس از فسخ حکم محکمه جنحه قرار عدم صلاحیت خود و صلاحیت محکمه جنائی را داده است . محکوم علیهم تمیز خواسته دیوان عالی تمیز در

## رویه محاکم استیناف مراکز ولایات راجع به موعد عرضحال استینافی

بموجب ماده ۲۹۰ قانون آزمایش عرضحال استینافی را میتوان مستقیماً به محکمه استیناف یا محکمه که حکم داده یا به محکمه ابتدائی یا صلحیه محل اقامت مستأنف یا نزدیکترین محکمه محل اقامت او تقدیم کرد. در نظر بدوی از این ماده میتوان استنباط کرد که چون مستأنف مخیر در تقدیم عرضحال یکی از چهار محکمه است.

هرگاه میان محکمه استیناف و محکمه که عرض حال تقدیم شده مسافت قانونی باشد طبق شق ۱ از ماده ۴۲ قانون آزمایش رعایت مسافت با مورد است. ولی بموجب ماده ۲۸۴ قانون آزمایش هرگاه در محل اقامت یکی از متداعیین که در ایران مقیمند محکمه ابتدائی یا صلحیه نباشد بر مدت مقرر بهر شش فرسخ یک روز علاوه می شود.

قطع نظر از آنکه میتوان ارفاق قانون گذار را با مستأنف که در ماده ۲۹۰ اختیار تقدیم عرضحال را به یکی از چهار محکمه داده دلیل و یا حاکمی از عدم لزوم رعایت احتساب مسافت دانست زیرا رعایت حال مستأنف از راه توسعه اختیار شده و زیاده بر آن مورد ندارد.

اشخاصاً از قید ماده ۲۸۴ که رعایت احتساب مسافت را مشروط به نبودن محکمه در محل اقامت مستأنف قرار داده چنین مفهوم و مستفاد می شود که اگر در محل اقامت او محکمه باشد رعایت احتساب مسافت مورد ندارد.

راجع باین موضوع محاکم استیناف مراکز ولایات در قرار شماره ۲۷۰ مورخ ۱۴/۱۱/۱۶ و قرار شماره ۳ مورخ ۱۸/۱۱-۱۳۱۶ و قرار شماره ۶ مورخ ۲۸/۱۱/۱۶ در خصوص شکایت استینافی از محکمه بدایت که حکم بمحل اقامت مستأنف ابلاغ و در آنجا محکمه بوده و تا محکمه استیناف هم مسافت داشته ولی عرضحال استینافی که مستقیماً بدفتر استیناف فرستاده شده در خارج از موعد بدفتر رسیده عرضحال مزبور را بدین استدلال رد کرده اند که چون در محل اقامت مستأنف محکمه صلحیه و ابتدائی بوده طبق مستفاد از ماده ۲۸۴ و ۲۹۰ حق مسافت رعایت نخواهد شد.

بنابراین عرضحال مستأنف که در خارج از مدت قانونی بدفتر استیناف رسیده مردود است.